

The Attributes of Good Governance in the System of Ommat (Community) and Imāmat (Leadership)^۱

Mohammad Reza Abdullah Nasab

PhD student, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
mo.ab^{۱۲}@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the attributes of good governance in the System of Ommat (Community) and Imāmat (Leadership) from the view of Shahid Beheshti. The method of study is descriptive-analytic and the results indicate that good political system in Beheshti's view is based on the theory of Ommat-Imāmat so that there is a mutual relation between people and Imām and it is defined with the originality of the citizens' initial will. These two concepts have a bilateral relation and continue a developmental coexistence and finally, the model of good governance is created. In fact, the theory of Ommat-Imāmat is the basic foundation for the analysis of Dr. Beheshti's governance components which is regarded favorable due to admission of humans' innate rights such equality, freedom, and the rule of law as the most important attributes of governance. Therefore, it is so important and necessary to shed light on this model in the idea of Āyatollāh Beheshti: Firstly, it has a direct effect on the legitimacy and efficiency of the Islamic government and secondly, it is a favorable and effective method to expand and advertise the government model of the Islamic Republic because in the present time, models free of these attributes do not have much influence on the publicity of Islam.

Keywords: Āyatollāh Beheshti, Ommat (Community), Imāmat (Leadership), Good Governance.

^۱ Received: ۲۰۱۹/۰۶/۱۵ - Revision: ۲۰۱۹/۰۸/۲۱ - Accepted: ۲۰۱۹/۱۰/۲۷

**© the authors

شاخصه‌های حکمرانی خوب در نظام امت و امامت^۱

محمدرضا عبدالله نسب

دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mo.ab62@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شاخصه‌های حکمرانی خوب در نظام امت و امامت از دیدگاه شهید بهشتی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که ابتدای نظام سیاسی مطلوب بهشتی بر نظریه امت-امامت است، به شکلی که امت و امام دارای رابطه‌ای متقابل و با اصالت اراده‌ی اولیه‌ی شهروندان تعریف می‌شود. این دو مفهوم با رابطه‌ی دوسویه، همزیستی استکمالی را طی می‌کنند و در نهایت الگوی حکمرانی خوب تولید می‌گردد. در واقع، تئوری امت-امامت مبنای اصلی تحلیل مولفه‌های حکمرانی دکنتر بهشتی است که در این نظریه، با پذیرش حقوق ذاتی انسان‌ها از جمله برابری، آزادی و قانون‌گرایی به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی مطلوب محسوب می‌شود. بنابراین ضرورت و اهمیت تبیین این الگو در اندیشه آیت‌الله بهشتی چنان است که اولاً در میزان مشروعیت و کارآمدی نظام اسلامی نقش مستقیم دارد و در وهله‌ی بعد، روشی مطلوب و مثمر برای بسط و تبلیغ مدل حاکمیتی جمهوری اسلامی است، زیرا که در دوران کنونی، مدل‌های خالی از این شاخصه‌ها، تأثیرات چندانی در تبلیغ دین اسلام ندارد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله بهشتی، امت، امامت، حکمرانی خوب.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵ - تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۵

مقدمه

چگونگی فرایند حکومت‌کنندگی از قدیم‌الایام توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران متعددی همچون افلاطون و ارسطو مورد توجه بوده است، این که حاکم (ان) سیاسی چگونه عمل کنند، دارای چه مشخصه‌هایی باشند و چگونه انتخاب شوند، از جمله مسائلی است که در هر جامعه و هر دوره‌ای دارای معیارها و شاخصه‌هایی بوده است. در دوران معاصر و بعد از جنگ جهانی دوم، به منظور جلوگیری از جنگ‌های گسترده دیگر، نهادهای بین‌المللی مثل سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و ... برخی معیارها را برای یکدستی نظام‌های سیاسی در پهنه جهانی اعلام و برای ارائه کمک و خدمات مالی و سیاسی آنها را پیش شرط الزامی خود کردند؛ فارغ از این که این معیارها مبتنی بر فرهنگ، باورها و سنت سیاسی جوامع غربی ابتدا یافته‌اند و الگوهای نظری آنها را ترویج می‌کنند، اما از یک انسجام و وحدت رویه، در امر حکمرانی پیشنهاد می‌کنند. طبیعی است که این وحدت رویه در کلیات بوده و امور جزئی سیاسی را علایق و سنت‌های سیاسی حاکم در هر جامعه شکل می‌دهد.

با تأسیس نظام جمهوری اسلامی و اتکای آن به آموزه‌های دینی، توجه به انگارهای سیاسی اسلام، بیش از پیش در مرکز ایده‌پردازی‌های اندیشمندان قرار گرفت. در این میان، آیت‌الله بهشتی ضمن تحصیل در علوم دانشگاهی - حوزوی و با اعتقاد به رویکرد ایجابی به مسائل اجتماعی، اقدام به تئوری پردازی پیرامون مسائل مستحدثه و کلان انقلاب اسلامی نمود؛ در این راستا، وی با ارائه ایده نظام امت و امامت، درصدد بهبود فرایند حکومت‌کنندگی و ارتقا کارآمد نمودن نهاد دولت، در نظام سیاسی جمهوری اسلامی بود. در این ایده، برخورداری امت از حقوق سیاسی - اجتماعی، تاثیر بسزایی در اهتمام کارگزاران، در امر حکمرانی بر جای نهاده، بطوری که حکمرانی، به عنوان الزامی شرعی که وظیفه بهبود زیست مدنی را عهده‌دار است، شمرده می‌شود. پذیرش چنین خوانشی از رابطه امت و امامت، مطالعه و ترسیم مولفه‌های حکمرانی مطلوب در نظرگاه سیاسی این فقیه نواندیش را ضروری می‌نماید. از این رو با بررسی نظریات سیاسی - اجتماعی آیت‌الله بهشتی در بزنگاه‌های مختلف انقلاب اسلامی، می‌توان مفاهیمی همچون قانون‌گرایی، شفافیت، عدالت‌ورزی، اثربخشی و پاسخگویی را از شاخصه‌های بنیادین حکمرانی مطلوب در نظام امت و امت نام برد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی پیرامون حکمرانی خوب انجام گرفته است که هر یک زوایای متفاوتی از این مفهوم را مورد تدقیق قرار داده‌اند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. دباغ و نفری در مقاله «تبیین خوبی در حکمرانی خوب» (۱۳۸۸) معتقدند که خوبی در مکاتب مختلف اخلاقی تعریف شده است و در این مقاله این مفهوم از منظر اخلاق‌گرایان و واقع‌گرایان تبیین شده است. حشمت‌زاده و همکارانش در مقاله «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران» (۱۳۹۶) سعی کرده‌اند موانع حکمرانی خوب را بررسی نمایند، در این تحقیق وجود خرده فرهنگ‌هایی چون استبداد، قومیت و عشیره‌گراییو قانون‌گریزی به عنوان موانع حکمرانی مطلوب تلقی شده است. مبارک و پیوند نیز در مقاله «نگاهی به شاخص حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی» (۱۳۸۹) مفاهیمی چون نهاد، رشد

درونزا و کنترل فساد را با الگوی حکمرانی اسلامی ارتباط داده‌اند. همچنین، علویان و زارع‌پور در مقاله «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی‌آملی» (۱۳۹۶) با استفاده از شاخصه‌های بانک جهانی در حکمرانی، به استناد به آراء آیت‌الله جوادی‌آملی، به مولفه‌هایی چون نظارت، پاسخ‌گویی و شفافیت توسط دولت اسلامی اشاره کرده‌اند. جاسبی و نفری مقاله‌ای با عنوان «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز» (۱۳۸۸) نوشته و با در نظر گرفتن ویژگی‌های حکمرانی خوب، کارایی و بقای هر سیستم و ارتباط این مفهوم در علم مدیریت حکمرانی خوب را تشریح کرده‌اند. این آثار و آثاری از این دست، نشان می‌دهد که زمینه برای تتبع حول آرای شهید بهشتی وجود دارد. برای این منظور می‌بایست معیارهای حکمرانی را بازساخت و با معیارهای مطلوب آیت‌الله بهشتی سنگ محک زد. این مقاله درصدد است این مهم را به سرانجام برساند. بنابراین ابتدا معیارهای حکمرانی خوب را شناسایی و احصا می‌نمائیم و سپس حکمرانی خوب را تعریف می‌کنیم.

تعریف و ماهیت حکمرانی خوب

حکمرانی^۱ در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و از دهه ۱۹۸۰ در اندیشه‌های چستر بارنارد^۲ و با توجه به بررسی عملکرد نهاد دولت، مطرح گردید (میدری، ۱۳۸۳، ص ۳۲). گوهر این مفهوم اصولاً ناظر به چگونگی اداره حکومت دانسته می‌شود (گریفیتس، ۱۳۸۸، ص ۴۴۵) و شاید بتوان حکمرانی و عناصر سازنده‌ی آن را، از مهم‌ترین موضوعات در حوزه نظریه‌پردازی حقوقی و اندیشه سیاسی دانست که فارغ از نوع ترتیبات مستقر در حکمرانی، اصل وجود آن بدیهی و غیر قابل انکار است (لاکلین، ۱۳۸۸، ص ۴۵). نکته قابل توجه این است که مفهوم حکمرانی، وسیع‌تر از حکومت^۳ است و همانند دیگر اصطلاحات علوم سیاسی، تعاریف متعددی دارد، که اغلب به دو وجه ویژگی و فرایند آن اهتمام نظری شده است. در وجه اول (ویژگی)، وضعیت حکمرانی خوب، مهم می‌باشد؛ گرچه در تعریف دوم، به فرایند اعمال حاکمیت توجه می‌شود (میدری، ۱۳۸۳، ص ۳۲). بنابراین مفهوم حکمرانی ضمن تفاوت معنایی از مفهوم حکومت، در بردارنده دو قسمت است، قسمت اول، به زمینه‌ی اجتماعی آن و معطوف به مشارکت سه گانه جامعه (دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی) است و قسمت دوم، به وجه سیاسی حکمرانی با توجه به ماهیت دولت و مولفه‌های مدیریتی آن، اشاره می‌شود (سلطانی‌نژاد و گودرزی، ۱۳۹۶، ص ۸۴).

۱. Governace

۲. Chester Barnard

۳. Governmen

نظریات حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی ابتدا در ساحت اقتصادی آن، مورد توجه سازمان‌های جهانی قرار گرفت. در ادوار بعدی ساحت سیاسی آن با مولفه‌هایی چون دموکراتیزه شدن سیاست و اقتصاد غیر دولتی معرفی شد. در حال حاضر، نهادهایی همچون سازمان ملل متحد با رویکردی انسانی و نرم‌افزاری به حکمرانی می‌نگرند که هدف آن بررسی زندگی شهروندان در جامعه‌ی برخوردار از حکومت خوب است. بانک جهانی (۱۹۹۲) و اتحادیه اروپا (۲۰۰۲)، بر شاخصه‌های اقتصادی و مدیریتی مفهوم حکمرانی تاکید نموده و بر مولفه‌هایی چون رشد اقتصادی، تخصیص عادلانه منابع و فسادزدایی اهتمام نموده‌اند. در منظر برخی (موسسه توسعه بین‌الملل ایالات متحده آمریکا)، حکمرانی با توسعه سیاسی ارتباط داشته و بر جنبه‌های الگوی دموکراسی چون انتخابات، کثرت گرایی، تمرکز ستیزی و جامعه مدنی تاکید نموده‌اند؛ از سوی دیگر، برنامه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷)، حکمرانی مطلوب را با دو غایت توسعه سیاسی و اقتصادی تعریف نموده‌است. در این پیشنهاد، حکمرانی با عناصری نظیر پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و حاکمیت قانون در دیدگاه‌های مدیران جامعه تعریف می‌شود. بررسی نظریات نشان‌دهنده بررسی مفهوم حکمرانی با رویکردها و اهداف‌های مختلفی است. بنابراین می‌توان مدعی شد که الگوی جامعی از حکمرانی خوب که حاوی جنبه‌های کاملی از توسعه جوامع باشد، وجود ندارد و هر یک از نظریات به ابعادی خاصی، توجه نظری داشته‌اند. اما در تحلیل کلان منتج از مطالعه نظریات متعدد می‌توان دو مفروض اساسی را ارائه نمود.

اولین مساله، ناظر به نقش موجد حکمرانی در روابط متقابل دولت و جامعه مدنی است. مساله دوم، معطوف به تفاوت‌های نظری حکمرانی و رابطه آن با ویژگی‌های بومی و ایدئولوژی غالب جوامع می‌باشد؛ به عبارتی ملاک سنجش حکمرانی در مدیریت عمومی جامعه، مبتنی بر هنجارهای پذیرفته شده‌ی کشورهاست. بنابراین حکمرانی خوب مفهومی هنجاری است که می‌بایست به اقتضای بستر آن تعریف شود (Landman, 2003, p. 67).

زندگی و اندیشه سیاسی شهید بهشتی

آیت‌الله محمد بهشتی از متفکران اجتماعی و تاثیرگذار در دوران جمهوری اسلامی است. اولین اقدام شهید بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰) در اوان اولیه انقلاب اسلامی، تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام خمینی در آذر ماه ۱۳۵۷ بود و ایشان در فرآیند خطیر تدوین قانون اساسی به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان ایفای نقش می‌کرد. پس از استعفای دولت موقت در سال ۱۳۵۸، مدتی به عنوان وزیر دادگستری و سپس، از سوی امام خمینی به ریاست دیوان عالی کشور منصوب گردید. به صراحت می‌توان بهشتی را ایدئولوگ در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی نظام نوپای سیاسی برشمرد. وی حزب جمهوری اسلامی را با هدف تربیت و شناسایی نخبگان سیاسی فرهنگی پایه گذاری نمود. در منظر جامع‌نگرانه بهشتی، نظام جمهوری اسلامی مبانی فکری قابل توجهی داشت که از جهات متفاوتی قابل تحلیل است. بهشتی سه مفهوم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را پایه و تعیین‌کننده سازه فکری نظام اسلامی می‌دانست و در عین اعتقاد به مفاهیمی چون

حاکمیت دین در اجتماع، ارزش‌مداری و ولایت فقیه، توجه خاصی به مفاهیم نوین همانند جمهوریت، آزادی و دموکراسی داشت. از این‌رو می‌توان بهشتی را مجتهدی نواندیش و مصلح، در تاریخ انقلاب اسلامی قلمداد نمود. بهشتی، بنا به مبانی فکری خود که ترکیبی از اسلامیت و جمهوریت است، اهتمام توأمان به این دو مفهوم بنیادین داشت. در این میان، الگوی حکمرانی بهشتی منبعث از مبانی فکری و ایده نظام امت و امامت است که می‌توان آن را راهبردی بنیادین در دوران گذار از نظام شاهنشاهی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی محسوب نمود.

نظام امت و امامت

در گام نخست لازم است به مبانی نظری اندیشه آیت‌الله بهشتی اشاره کنیم. دو مفهوم هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، همواره به عنوان دو مبنای نظری در ساحت اندیشه‌ورزی عالمان مسلمان اطلاق می‌شود. به اقتضای چنین مبنایی، آیت‌الله بهشتی، به عنوان فقیهی شیعی، مفهوم توحید را به معنای اعتقاد جامع به یگانگی ذات مقدس الهی، در ساحات وجود، خلق و تدبیر نظام هستی، بر شمرده و با اشاره به اعمال اراده خداوند در نظام هستی، اراده انسان را در زیست فردی و جمعی، ذیل اراده الهی، می‌پندارد (بهشتی، ۱۳۹۰، ج). (ص ۲۷۸). در این دیدگاه، انسان کنش‌گری فعال است که با استعداد اندیشه و تفکر، دریافت‌های حسی‌اش را مطالعه، محاسبه و جمع‌بندی می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۰، ج). (ص ۱۳). چنین انسانی همواره حوق طلب و کمال‌جو است، وی با اتصاف به مفهوم حوق‌طلبی، گرایش به آرمان‌های بزرگ و جهانی را در خود پدید آورده و در پی همسوئی با نظام هستی، شایستگی مقام خلیفه الهی خداوند متعال را اخذ می‌نماید.

پُر واضح است که آراء سیاسی آیت‌الله بهشتی همانند متفکران دیگر، متأثر از نگرش انسان‌شناسی است و وی با طرح نظریه نظام امت و امامت در پی ارائه خوانشی نوین از حکومت و حکمرانی در دوران معاصر می‌باشد. در این الگو امت، مفهومی کلی است که از عقاید مشترک دینی تشکیل می‌یابد، فلذا با عناصر تشکیل‌دهنده امت در آموزه‌های مدرن تمایز بدیهی خواهد داشت. مراد از مفهوم امت، جامعه انسانی دارای رهبری و اهداف مشترک است و با مفهوم قرآنی ناس شباهتی ندارد (بهشتی، ۱۳۸۰، الف، ص ۴۰).

در این الگو، مشارکت و نقش مردم در مناسبات قدرت جایگاه ویژه‌ای دارد و از آنجائی که مسئولیت مال امت است تاسیس حکومت باید با رأی عامه مردم صورت گیرد و دوام آن نیز بدون خواست مردم ممکن نیست و زمامدار صرفاً باید سمت و قدرت خویش را از آراء مردم بگیرد (بهشتی، ۱۳۸۰، الف)، (ص ۱۶). در نتیجه می‌توان مدعی شد که در نظرگاه شهید بهشتی، گرچه حکومت باید متعهد به اسلام باشد؛ اما حدوث و بقای آن، کاملاً مردمی است. پذیرش جایگاه مهم امت در الگوی مذکور، موجد شکل‌گیری ارتباط متقابل امت با امام و عاری از هر گونه تحمیل و اجبار می‌باشد (بهشتی، ۱۳۹۰، د)، (ص ۴۰).

شاخصه‌های حکمرانی خوب در آرای شهید بهشتی

با التفات به مباحث تحلیلی پیش‌گفته پیرامون مفهوم حکمرانی، نظریات مبتنی بر رویکردهای غیر دینی، گرچه در برخی عناصر، اشتراکاتی با الگوهای حکمرانی مطلوب در نظام داناتی اسلام دارد؛ اما الزاما نمی‌تواند چارچوب کاملی در تحلیل حکمرانی مطلوب در نظرگاه اندیشمندان اسلامی باشد، لذا برای فهم جامع و اسلامی از شاخصه‌های حکمرانی خوب در اندیشه آیت‌الله بهشتی می‌بایست به مبانی نظری و ایده نظام امت و امامت وی توجه کافی داشت. خاطرنشان باید ساخت که با توجه به مسائل پیش‌گفته، مساله اصلی نوشته حاضر، ناظر به اول حکمرانی که به همکاری سه بخشی اشاره می‌شد، ارتباطی ندارد، بلکه تبیین شاخصه‌های حکمرانی مرتبط با زمینه سیاسی و کارآمدی دولت، با التفات به تئوری نظام امت و امامت آیت‌الله بهشتی به عنوان موضوع اصلی در نظر گرفته شده است.

در این بخش به بررسی موردی معیارهای ذکر شده در چارچوب نظری تحقیق با آرای شهید بهشتی می‌پردازیم. برای انجام این مهم، ابتدا تعریف هریک از معیارها را طرح کرده و سپس دیدگاه بهشتی را در آن خصوص بررسی خواهیم کرد.

حق اظهار نظر و پاسخگویی^۱

در ذیل این معیار دو اصل اساسی مورد توجه هستند:

الف) وجود حس اثرگذاری مردم بر حاکمیت؛

ب) آزادی در کیفیت اثرگذاری است.

در ادامه هر یک از این موارد را مورد واکاوی قرار می‌دهیم:

الف: در این حالت از ضرورت تاثیرگذاری مردم بر عملکرد دولت صحبت می‌شود، تا شهروندان بتوانند دولت را بازخواست کنند و در نهایت با ارائه آزادانه نظرات، منافع شهروندان تامین گردد. البته لازمه این امر، مشارکت فعال شهروندان در تصمیمات کلان می‌باشد. پذیرش چنین حقی پیامدهایی نظیر افزایش مشروعیت نظام، اطاعت آزادانه افراد و هم‌هنجاری نظام سیاسی با حکومت‌شوندگان را در پی خواهد داشت (ویر، ۱۳۸۴، ص ۴۳). حکمرانی مطلوب شهید بهشتی، به این فرایند توجه دارد و با تایید مشارکت فعال مردم، انتخاب رهبر جامعه را منوط به حضور آگاهانه آنان می‌داند.

ب: در اندیشه سیاسی آیت‌الله بهشتی مفهوم آزادی، جایگاه بی‌بدیلی به خود اختصاص داده است. وی ویژگی خاص انسان را در آزادی فطری می‌داند که منجر به آزادی انتخاب‌هایش تا لحظه مرگ می‌شود (سرابندی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱). چنین حقی نباید توسط هیچ‌کس حتی امام جامعه، سلب شود، گرچه غایت آن کمال انسان و عبودیت است (بهشتی، ۱۳۹۰ (ب)، ص ۹۲). نگرش بهشتی در تبیین آزادی در وهله نخست اهتمام به بُعد درونی آزادی است که البته به آزادی‌های بیرونی (اجتماعی) تسری می‌یابد و موجب تعیین حقوق سیاسی - اجتماعی آحاد امت می‌شود. شهید بهشتی درباره اهمیت آزادی بیرونی معتقد است: هر فرد باید به آنچه در پیرامونش می‌گذرد، با دقت بنگرد و اگر چیزی به نظرش می‌رسد؛

^۱ - Voice and Accountability

بگوید، افشاگری کند، تذکر بدهد و برای اجرا به مقامات مسئول اطلاع بدهد (هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۸۸، ص ۸۶). در چنین نگرشی، مطالبه‌گری عمومی، کلید حل معضلات نظام سیاسی محسوب شده و منجر به محدودیت قدرت حکمرانان می‌شود.

شهید بهشتی با اعتقاد به قاعده النصیحه لائمه المسلمین، از وجوب «نصیحت، تذکر و انتقاد» به ولی فقیه (حاکم غیر معصوم) سخن گفته و این را از مصادیق «تربیت اسلامی» و «جامعه رشد یافته» (بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۷۶) برمی‌شمرد. وی در این باره معتقد است: هر کس به هر عنوان بخواهد جلوی انتقاد سازنده ... را در این پدیده جمهوری اسلامی بگیرد از راه اسلام منحرف است و به عنوان مسلمان از او بیزارم (سرابندی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰). از این رو اقتدارگرایی و سلب آزادی انتقاد از امام جامعه، با توجیهاتی نظیر وجود شرایط فوق‌العاده کشور مصداق خروج از چارچوب اصول اسلامی قلمداد می‌شود.^۱

عدالت‌ورزی

شهید بهشتی مفهوم عدالت را از جنبه‌های مختلفی نظیر عدالت فقهی، اخلاقی، فلسفی و اجتماعی بررسی نموده و عدالت فراگیر در نظام امت-امامت از بزرگترین آرمان‌های وی می‌باشد. وی عدالت را به مثابه سنگ زیرین روابط اجتماعی، روح و محتوای نظام سیاسی معرفی می‌نماید. بهشتی در گام نخست عدل اخلاقی را مهمترین وجه عدالت‌ورزی معرفی نموده و اتصاف به عدالت فقهی و پرهیز از هرگونه تعدی را اولین شرط کارگزاران در حکمرانی اسلامی می‌داند (بهشتی، ۱۳۹۰ (د)، ص ۱۹۱). خاطر نشان باید ساخت که در نظرگاه عدالت‌محور بهشتی، الزام رهبر جامعه به ملکه عدالت ضرورت بیشتری داشته و فقیه جامع‌الشرایط می‌بایست به ویژگی صائنا لنفسهو غلبه بر امیال نفسانی خویش دست یافته‌باشد (همان، ص ۲۶۷).

اندیشه اجتماعی شهید بهشتی به ساحت عدل اخلاقی اکتفا نموده و ضمن اعتقاد به عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف والای دین، رابطه مستقیمی میان دو مفهوم عدالت و دین برقرار می‌نماید. به عبارت دیگر وی حضور توأمان دین و عدالت را امری اساسی دانسته تا آنجا که دین منهای عدالت اجتماعی را نشانه غیر حقیقی بودن، دین می‌داند. بدین ترتیب می‌توان گفت که در بینش اسلامی و جامع‌نگرانه بهشتی، برخلاف مدل‌های غربی، حکمرانی مطلوب، صرفاً ناظر به عدالت کارکردی تبیین نمی‌شود؛ بلکه ضمن اهتمام به وجوه مختلف عدالت، لازمه برقراری عدالت کارکردی، برخورداری حاکم اسلامی از ملکه عدالت می‌باشد.

^۱ <https://tahririeh.com>

حاکمیت قانون^۱

حاکمیت قانون به میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان جامعه برای نهادهایی که کارکردهای وضع، اجرای قانون و حل اختلاف را دارند، تعبیر می‌شود. مبنای عمل در حکومت اسلامی، احکام و آموزه‌های اسلام است و هیچ کس حق تغییر احکام و ارجحیت بر قانون الهی را ندارد. از این رو، در اسلام حاکمی که صلاحیت‌های لازم، از جمله فقاقت و عدالت، را داراست، فرا قانونی نیست و در چارچوب قوانین اسلام عمل خواهد نمود. شهید بهشتی اهمیت قانون‌مداری را با مساله مدنی الطبع بودن انسان و احتیاج دائمی او به زیست جمعی آغاز می‌نماید. لذا، در اجتماع متشکل از حضور یکایک افراد، مهم‌ترین فضیلت، قانون است که کارویژه مهم مصونیت جامعه از هرج و مرج را بر عهده دارد (بهشتی، ۱۳۹۰، د)، ص ۲۱۸).

در نگاه شهید بهشتی، امت در برابر اجرای قانون اسلام، بالسویه هستند و حتی امام جامعه هیچ امتیاز خاصی در این زمینه نخواهد داشت. وی در پاسخ به دیدگاهی که معتقد به عدم احتیاج ولایت به قانون اساسی بود، آشکارا از ابتدای ولایت فقیه به قانون اساسی حمایت نمود (فیرحی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۵). شهید بهشتی، با طرح بدیع جامعه مسلکی و ترابط آن با قانون، می‌گوید: در جامعه مسلکی باید بگوییم کسانی باید به مقام رهبری برسند و رهبران جامعه باشند که قبل از هر چیز همه ابتکارها و استعدادها و لیاقت‌هایشان در خدمت مسلکی قرار بگیرد (بهشتی، ۱۳۹۰، د)، ص ۱۹۱). بر همین اساس، در ایام تدوین قانون اساسی که انتقادات و مخالفت‌ها با برخی از اصول آن ایراد گردید، شهید بهشتی در پاسخ، لحاظ دیکتاتوری را در قانون اساسی رد می‌کند: «من تعجب می‌کنم که چطور عده‌ای این طرف و آن طرف می‌گویند از این قانون اساسی بوی دیکتاتوری می‌آید، آن هم دیکتاتوری آخوندها! صدای پای فاشیسم نعلین می‌آید! این یک توهین دوجانبه است: هم توهین به روحانیت و هم توهین به ملت» (بهشتی، ۱۳۸۰، الف)، ص ۴۶).

قانون‌گرایی در اندیشه بهشتی امری عام و همگانی است که در حوزه‌های مختلف حکمرانی شمولیت دارد. به طور مثال، در جریان تصویب اصل ۳۸ قانون اساسی، وی درخواست جواز شکنجه‌های خفیف برای کسب اقرار از متهمان را به صراحت انکار نمود و می‌گوید: توجه بفرمایید که مسأله، راه چیزی باز شدن است. به محض این‌که، این راه باز شد و خواستند کسی را که متهم به بزرگ‌ترین جرم‌ها باشد یک سیلی به او بزنند، مطمئن باشید به داغ کردن همه افراد منتهی می‌شود. پس این راه را باید بست. یعنی اگر حتی ده نفر از افراد سرشناس ربوده شوند و این راه باز نشود جامعه سالم‌تر است (بی‌نا، ۱۳۶۴، ص ۷۷۷).

^۱ - Rule of law

اثربخشی دولت^۱

حکمرانی خوب، فنی است که کارآمدی دولت در انجام وظایفی همچون کیفیت نظام اداری، صلاحیت کارگزاران و عدم تاثیرپذیری خدمات همگانی از مداخلات سیاسی را مهیا می نماید (Elsnhans, ۲۰۰۱, p.۳۵). چنین تعریفی، منجر به ایجاد تعامل دوسویه میان نیروهای اجتماعی و دولت می شود. بنابراین، شناخت نقش و وظایف دولت به عنوان قدرت برتر اجتماع، ضروری به نظر می رسد.

الف: نقش دولت: نهاد دولت به عنوان برترین نهاد در نظام سیاسی، در حوزه اقتصادی، توان تقویت ظرفیت های توزیعی منابع را از طریق افزایش منابع عمومی و گسترش نظام جامع تامین اجتماعی به عهده دارد. هم چنین در فرآیند سیاسی، پذیرش تکثر قدرت های مختلف اجتماعی و توزیع قدرت سیاسی را ممکن می نماید (جعفری و ذولفقاری، ۱۳۹۳، ص ۸۹). این مساله یکی از مطالبات اساسی شهید بهشتی در فرایند حکمرانی می باشد. وی توجه حکومت در حوزه سیاسی به نفی توتالیتراریسم و دخالت در حوزه شخصی شهروندان جامعه را اصلی بنیادین و غیر قابل تغییر معرفی نموده و معتقد است که: هیچ کس حتی رهبری یک جامعه اسلامی حق ندارد، در مساله عقیدتی کسی را دعوت یا وادار به پیروی از عقیده ای خاصی نماید و یک فرد مسلمان نیز نباید به جوابی که رهبری در مساله اعتقادی بیان داشته است ترتیب اثر دهد و آن را بپذیرد (بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۶۷).

بهبود زندگی اقتصادی آحاد مردم از دیگر دغدغه های شهید بهشتی در حوزه اثر بخشی دولت است، وی بر خلاف برخی مکاتب کمونیستی، در کنار سازمان های تعاونی، مالکیت خصوصی را در هر شکل (شکل فردی، چه در شکل گروهی) را پذیرفته و آن را دارای هیچ منع اقتصادی موجهی نمی داند (بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۷۶). ایشان در واکنش به این نگرانی که با حذف ربا، طرح های بزرگ اقتصادی با مشکل تأمین مالی مواجه می شوند، از کارگزاری دولت در اقتصاد دفاع می کند و می نویسد: دولت های سالم و صالح می توانند خیلی بهتر از سرمایه داران خصوصی در راه صنایع بزرگ یا طرح های آبیاری و کشاورزی وسیع، سرمایه گذاری کنند و چون دولت صالح نماینده و کارگزار ملت است، این سرمایه گذاری ها خواه ناخواه در راه مصالح و منافع ملت خواهد افتاد (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۸۳). با این حال، گرایشات صرفاً سوسیالیستی را در اقتصاد تجویز نمی کنند و با نفی مباشرت مستقیم دولت، ظهور استعداد های اقتصادی را پیشنهاد می دهد (همان، ص ۲۰). البته، در صورت به خطر افتادن منافع شهروندان، معتقد به مداخله ای دولت در مواردی نظیر قیمت گذاری اجناس می باشد.

شهید بهشتی، به دلیل نگرش خاص اسلامی - شیعی خود، نظام امت - امامت را جامع و دربرگیرنده تمامی سطوح و حوزه های زندگی اجتماعی می داند و به همین خاطر، دولت را صرفاً محصور در امور سیاسی ندانسته و آن را مسئول و درگیر در حوزه های اقتصادی و فرهنگی می بیند.

ب: کیفیت مقررات: اخلاق، بنیاد نگرش آیت الله بهشتی در کیفیت بخشی در قوانین و حتی انتصاب نیروی انسانی است، تا جایی که مخالفت خویش را با ورود افرادی لاقید به مناصب اجرایی کشور را تصریح نمود. از منظر شهید بهشتی عدالت ورزی از مفاهیم مهم اخلاقی است که پیشرفت هر جامعه در گرو آن است و این مفهوم در سیستم بوروکراسی

^۱ - Government Effectiveness

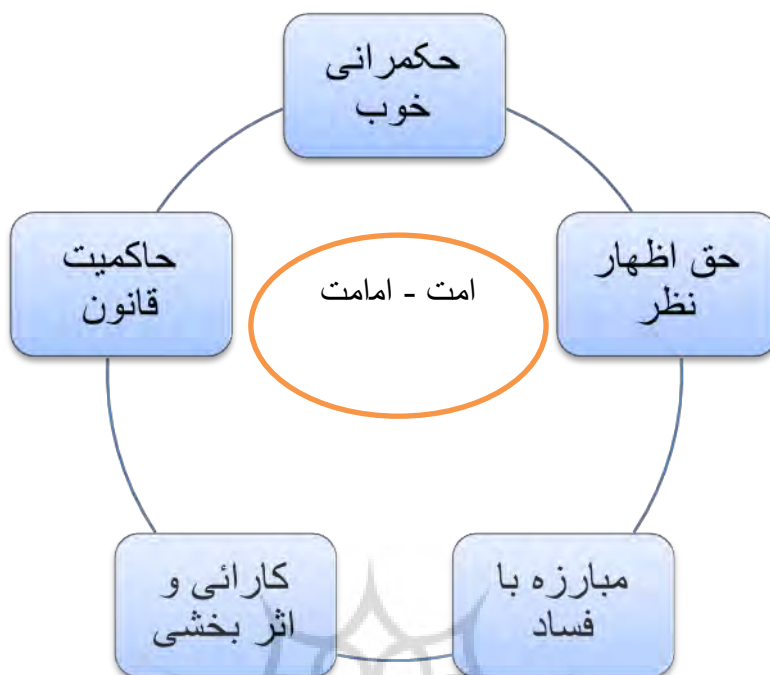
اسلامی، ضرورت تام دارد: در اسلام عدل داریم منحصر در شخص امام نیست ... اما پس از شخص امام هم مطلب همین طور است. در تمام مراحل رهبری و امامت و زعامت در احکام فقهی ما، یک شرط به عنوان شرط اصلی ذکر می‌شود: عدالت... بهترین تعبیر این است که بگویم نظام اسلامی باید پشت سر یک یک مقامات مسئول بتوانی نماز بخوانی (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۵). پس می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات و دغدغه‌های شهید بهشتی منحصر در مباحث فکری و حتی سیاسی نیست بلکه تدین امت، وابسته به میزان رفاه شهروندان است.

مبارزه با فساد^۱

فساد اداری به مجموعه‌ی رفتارهای کارمندان بخش عمومی گفته می‌شود که در جهت تأمین منافع خود، هنجارهای قانونی را نادیده می‌گیرند (هانتینگتون، ۱۳۸۵، ص ۹۰). یکی از عناصر مهم حکمرانی خوب، موضوع عدم فساد اداری است. در شرایطی که شیوع فساد، شهروندان به جای استفاده از نوآوری‌های شخصی به دنبال راهکارهایی چون پرداخت رشوه و معامله با مقامات دولتی، برای رانت‌خواری می‌باشند. علاوه بر این، وجود فساد، جذابیت‌های اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. وجود فساد درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرایند تولید ناتوان سازد (برادران شرکا و ملک الساداتی، ۱۳۷۸، ص ۶۶).

ضرورت مبارزه با فساد در بیانات شهید بهشتی پر تکرار است و وی آسیب‌های مختلف فساد را از دوران اولیه پیروزی نظام اسلامی متذکر شده و تسلط آن، بر پیکر نیروی انسانی را موجب مرگ زودرس جامعه معرفی نمود. در منظر وی، راه حل فسادزدایی از عرصه اجتماع وابسته به مبانی اندیشه‌های وی می‌باشد. از این رو، توصیه دائمی به خودسازی و تهذیب نفس نموده و می‌گوید: امیدوارم در جمع ما کسی پیدا نشود که آنجا که پای حق، ثروت و پول در میان می‌آید، جانب پول و ثروت را بگیرد (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۹۱). علیرغم توجه شهید بهشتی به تهذیب نفس، ایجاد مکانیسم‌های بیرونی و مناسب برای کاهش فساد مهم به نظر می‌رسد. وی با استناد به آیه ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر (آل عمران، ۱۰۴)، شناخت خوب و بد، این پسند و ناپسندها، را برای هر انسان سالم قابل شناخت می‌داند و از آحاد جامعه تشویق خوبی‌ها و مبارزه با منکرات را طلب می‌کند و در نهایت با رعایت این اصل فرد و جامعه، الگوی زیبایی از زندگی بشری را در سراسر جهان ارائه می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۰، ص ۶۸).

^۱ Corruption control



نتیجه گیری

مفهوم حکمرانی به چگونگی روابط اجزای سیاسی جامعه (نهادهای و سازمانها) و بخشهای غیرحکومتی (احزاب، تشکلهای و ...) می پردازد. در مورد شاخصه های حکمرانی مطلوب می توان گفت که هر نظام سیاسی که با سازوکارهای متقن حقوقی، سیاسی تأسیس شود و در عین حال خود را در تمامی حوزه های عملکردی، پاسخگو بداند، به همان اندازه به حکمرانی شایسته نزدیک خواهد شد؛ زیرا منافع شهروندان در چنین فرایندی تأمین خواهد شد و مشروعیت و کارایی حکومت تأمین و تثبیت می شود. از این رو، رابطه علی - معلولی میان مفاهیمی چون مشارکت مردم و پاسخگو بودن نهادها با مشروعیت نظام سیاسی وجود دارد.

در این پژوهش به برخی از مؤلفه ها و عناصر حکمرانی خوب از دیدگاه آیت الله بهشتی پرداخته شد، و می توان اذعان نمود که بسیاری از الگوهای و نظریاتی که دارای خاستگاه غربی و غیراسلامی هستند و در محافل اندیشه ورزی به عنوان نظریه ای نوین و بدیع محسوب می شوند، در منابع دینی اسلام به صورت کامل تر ارائه شده است؛ که با بررسی دقیق اندیشه سیاسی متفکران انقلاب اسلامی، امکان خوانش بومی از نظریه حکمرانی خوب، وجود دارد و با انطباق آن با مبانی سیاسی تشیع، الگویی مطلوب در راستای پیشرفت همه جانبه ترسیم نمود. ابتدای نظام سیاسی مطلوب دکتر بهشتی بر نظریه امت - امامت است به شکلی که امت و امام دارای رابطه ای متقابل و با اصالت اراده ای اولیه شهروندان تعریف می شود. این دو مفهوم با رابطه دوسویه، همزیستی استکمالی را طی می کنند و در نهایت الگوی حکمرانی خوب تولید می گردد. در واقع، تئوری امت - امامت مبنای اصلی تحلیل مولفه های حکمرانی دکتر بهشتی است که در این نظریه، با پذیرش حقوق ذاتی

انسان‌ها از جمله برابری، آزادی و قانون‌گرایی به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی مطلوب محسوب می‌شود. بنابراین ضرورت و اهمیت تبیین این الگو در اندیشه آیت‌الله بهشتی چنان است که اولاً در میزان مشروعیت و کارآمدی نظام اسلامی نقش مستقیم دارد و در وهله‌ی بعد، روشی مطلوب و مثمر برای بسط و تبلیغ مدل حاکمیتی جمهوری اسلامی است، زیرا که در دوران کنونی، مدل‌های خالی از این شاخصه‌ها، تأثیرات چندانی در تبلیغ دین اسلام ندارد.

منابع

قرآن کریم.

آزادی، هرج و مرج، زورمداری. تهران: روزنه، ۱۳۸۶.

برادران شرکا، حمیدرضا؛ ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۸۷). حکمرانی خوب کلید توسعه آسیای جنوب‌غربی. راهبرد، شماره ۴۸، ص ۳۵۹-۳۸۴.

بهشتی، محمد (۱۳۶۲). اقتصاد اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بهشتی، محمد (۱۳۸۷). بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.

بهشتی، محمد (الف ۱۳۸۰). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: روزنه.

بهشتی، محمد (ب ۱۳۹۰). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: روزنه.

بهشتی، محمد (بی‌تا). سخنرانی در مجمع عمومی اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا. قابل دسترس در:

<https://tahririeh.com>

بهشتی، محمد (ج ۱۳۸۰). باید‌ها و نبایدها. تهران: بقیعه.

بهشتی، محمد (ج ۱۳۹۰). شناخت اسلام. تهران: بقیعه.

بهشتی، محمد (د ۱۳۹۰). ولایت رهبری روحانیت. تهران: بقیعه.

بهشتی، محمد (ه ۱۳۹۰). جاودانه تاریخ، گفتارها (۲). تهران: دانشیاران ایران.

جعفری، علی‌اکبر؛ ذولفقاری، وحید (۱۳۹۳). امنیت ملی و توسعه پایدار: پارادایم پساواشنگتنی. سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۳، ص ۶۵-۹۴.

سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶). سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱.

سلطانی‌نژاد، احمد؛ گودرزی، سهیل (۱۳۹۶). فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب. سیاست، شماره ۴۱، ص ۷۹-۹۷.

فیرحی، داود (۱۳۹۱). رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی. سیاست، شماره ۱، ص ۳۱۰-۲۸۷.

گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.

لاگلین، مارتین (۱۳۸۸). مبانی حقوق عمومی. ترجمه محمد راسخ. تهران: نشر نی.

- مشروح مذاکرات قانون اساسی. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: سمت.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. تهران: علم.
- هدایت‌نیا گنجی، فرح‌الله (۱۳۸۸). اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی. تهران: کانون اندیشه جوان.

Elsenhans, H. (۲۰۰۱). The Political Economy of Good Governance. *Journal of Perspective on Global Development and Technology*, No. ۲, P. ۵۶.

Landman, T. (۲۰۰۳). **Map Making and Analysis of the Main International Initiatives on Developing Indicators on Democracy and Good Governance.** University of Essex: Human Rights Center.

